



هیأت تراز انقلاب اسلامی در بیانات
امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

شماره اول، تابستان ۱۳۹۲

شانِ مداحان؛ معرفت افزایی در فضای جامعه



بیانات رهبر معظم انقلاب
در دیدار جمعی از مداحان
سالروز ولادت حضرت صدیقه طاهره (ع)
یازده/اردیبهشت/۱۳۹۲



آفتاب ۱
(مدفله العالی)
هیأت تراز انقلاب اسلامی در بیانات امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای
شماره اول، تابستان ۱۳۹۲

شأن مداحان؛ معرفت افزایی در فضای جامعه
بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از مداحان
سالروز ولادت حضرت صدیقه طاهره (ع)
۱۱ اردیبهشت ۹۲

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
طراح نامواره و صفحه‌آرا: علی ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)
نشانی: قم، بلوار امین، کوچه ۱۰، پلاک ۲۰
جامعه ایمانی مشعر

کد پستی: ۱۵۴۸۷ - ۳۷۱۱۳
تلفکس: ۵۱ ۸۹ ۹۲ ۳۲ - ۰۲۵
سامانه پیامک: ۱۵۴۲ - ۳۰۰۰

پایگاه اطلاع رسانی: www.1542.ir
رایانامه: mag@1542.ir

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



بَرقی این عید شریف را، میلاد مسعود را، روز شادی و فرح و طراوت دل‌های شیعیان را در طول تاریخ، به همه شما عزیزان، برادران، خواهران، بلبان باغ مدحت آل پیغمبر، و ثنا گستران برترین و بهترین خلاق عالم و آدم تبریک عرض می‌کنم.

امیدواریم خداوند متعال از همه شما عزیزانی که برنامه اجرا کردید - خوانندگان، سرایندگان، اجرا کنندگان و مجموعه شما عزیزان - این توسل را به بهترین وجهی قبول بفرماید.

بندۀ حقیر، خدا را سپاسگزارم که توفیق مرحمت کرده است؛ شاید حدود سی سال یا بیشتر است که ما این توسل را در این روز داریم و بحمدالله رونق و

شکوه و معنویت و رشد مفاهیم و معانی را انسان در پیشرفت سال‌ها مشاهده می‌کند.

امسال برنامه‌ای که اجرا کردید، بسیار خوب بود؛ هم از لحاظ محتوا، هم از لحاظ قالب؛ شعرها خوب بود، اجراها و خواندن‌ها خیلی خوب بود. ان شاءالله که شما دوستان و عزیزان روزبه‌روز در جهت معرفت‌افزایی و نورپراکنی در فضای ذهنی جامعه، موفق‌تر باشید.

یک فرصتی است برای کشور ما؛ مثل خیلی از فرصت‌های دیگری که ما داریم. برادران مسلمان ما در کشورهای دیگر، خیلی از فرصت‌های ما را ندارند؛ یکی‌اش همین است. این سلسله و رشته و جریان و شبکهٔ توسل به اهل بیت و محبت اهل بیت و برانگیختن عواطف، خیلی فرصت مهمی است. حالا به هر دلیلی، دیگران در مناطق دیگر، از این نعمت بزرگ، از این برکت عام، به این شکل برخوردار نیستند؛ ما داریم.

یقیناً یکی از عواملی که دین را، معنویت را، عقیده را و اخلاق را در یک جمعیتی در طول

جانش دو مطلب در این جلسه گفتنی است - اگرچه حرفِ گفتنی بیش از این‌ها است - یک مطلب در مورد مدیحه‌سرایی خاندان پیغمبر است؛ این مهمی که شماها بر عهده گرفته‌اید. امروز بحمدالله در سرتاسر کشور شبکهٔ مداحان و ثنا گستران خاندان پیغمبر توسعه پیدا کرده است؛ جمعیت زیادی، استعدادهای زیادی، دل‌های مشتاقی در میان خود مداحان - که از جوان‌های ما، پیشکسوت‌های ما، اساتید ما تشکیل شده است - بحمدالله میان مردم می‌روند و وسیلهٔ توسل مردم را فراهم می‌کنند و سفرهٔ برکت اهل بیت را می‌گسترانند؛ این

تاریخ حفظ می‌کند، عواطف است؛ در کنار عقل و خرد و استدلال.

انبیاء و فرستادگان الهی ننشسته‌اند با مردم با زبان فلسفی حرف بزنند؛ اگرچه برای فهمیدن کلام آن‌ها و تعمق در بیان آن‌ها، عقل فلسفی لازم بود و هست؛ یعنی فلاسفه بزرگ از سفره گسترده عمومی انبیای الهی بیشترین بهره را می‌برند؛ اما این سفره، سفره خاص نیست؛ لذا زبان آن، زبان استدلال عقلی و بگو و مگو و ان قلت و قلت نیست؛ این زبان، ترکیبی است از اندیشه و عقل و عواطف؛ عاطفه است که می‌تواند مسیر فهم عقلی و حرکت عقلی و جریان عقلی را هموار کند.

ما به طور طبیعی این جریان را داریم؛ هم در جلسات مدح و عزا و شادی و مولودی‌خوانی و عزاداری، هم در جلسات دعاخوانی؛ این دعای کمیل، این دعای ندبه، این دعای امام حسین در عرفه، و دعاهائی که مخصوص ما است.

در میان دیگران، این مقدار دعای خوش لفظ خوش معنای خوش مضمون وجود ندارد؛ این هم از اختصاصات امتیازاتی است که بحمدالله

پیروان اهل بیت از آن برخوردارند. این‌ها همه‌اش عقل و عاطفه را درآمیخته با یکدیگر در طول تاریخ و در عمق ذهن بشر و عواطف انسان جاری می‌کند.

امروز بحمدالله در
سرتاسر کشور شبکه مداحان
و نناگستران خاندان پیغمبر توسعه
پیدا کرده است.

این سلسله ورشته و جریان و
شبکه توسل به اهل بیت و محبت
اهل بیت و برانگیختن عواطف،
خیلی فرصت مهمی است.

برافراين شأن مداح اين است؛ يعنى برانگيختن عواطف، و به كمك اندیشه و خرد بردن اين عواطف. شأن مداح و ستايشگر - اين حرفه‌اي كه امروز در کشور ما بحمدالله به وفور وجود دارد - اين است كه بتواند با بيان هنري، با شيوه هنري، با اجراي هنري، معرفت را در بين مردم گسترش دهد. اين شد محور اصلي.

شعري كه انتخاب مي‌كنيد، لحنی كه انتخاب مي‌كنيد، شيوه‌ای كه در آن با مردم حرف مي‌زنيد، در اين جهت قرار بگيرد؛ در جهت افزايش معرفت و عمق بخشيدن به هدايت مردم و دانايي‌های آنها از دين و از راه زندگي؛ اين كاري است كه جامعه مداح

به بهترين وجهي مي‌تواند انجام دهد.

برافراين بارها عرض کرده‌ايم و اين يك حقيقتي است كه وقتي شما يك قصيده را يا يك غزل را كه حامل معارف است، در يك مجلسي مي‌خوانيد، گاهي از ساعت‌ها سخن گفتن فصيح و بليغ يك گوينده تأثيرش بيشتر و عميق‌تر مي‌شود؛ اين يك فرصت است؛ از اين فرصت بايد استفاده كرد؛ اين فرصت را نبايد ضايع كرد.

شعري كه محتوا نداشته باشد، اين فرصت را ضايع مي‌كند؛ يا اگر چنانچه در آن يك نكته ضعيف و احياناً غلط وجود داشته باشد، اين فرصت را ضايع

می‌کند؛ یا اگر چنانچه کیفیت اجرا جوری باشد که مرزهای شرعی را مخدوش کند، این فرصت ضایع شده است؛ یا اگر جوری باشد که نیازهای نقد را که امروز مردم به دانستن آن‌ها احتیاج دارند، ندیده بگیرد، این فرصت ضایع شده است. فرض کنیم در دوران جنگ تحمیلی که کشور نیاز داشت به یک حماسهٔ پرشور عملی و جهاد در میدان، جوان‌ها هم آماده بودند، پدر و مادرها هم آماده بودند، یک نفری برود در مجالس و محافل خود، شعر هم بخواند، خوب هم اجرا کند، منتها اشاره‌ای به این نیاز وقت نکند؛ این ضایع کردن فرصت است.

آن روز مداح‌ها نقش‌های خیلی خوبی آفریدند. در این جبهه کارهایی که مداح‌های ما کردند، اثری که آن‌ها در اعماق جان رزمندگان ما گذاشتند، کم‌نظیر است. من بعضی را اطلاع دارم؛ مداح‌های ترک‌زبان یک جور، مداح‌های فارس‌زبان یک جور، همین آقایان مداح‌های زنجان که امروز یکی از آن‌ها اینجا خواندند، و جاهای دیگر و جاهای دیگر و از همه جا، و همچنین شعری که این مداح‌ها را پشتیبانی می‌کردند، آن روز همه به وظیفه‌شان عمل کردند. امروز هم من نگاه می‌کنم، می‌بینم در میان این

شعرهایی که خوانده شد، به نیازهای نقد توجه شده بود؛ نمونهٔ کاملش همین شعر آقای سازگار است، که هر سال همین جور است.

ایشان در این شعرها و سرودها یک پیوند لطیف درست هنری‌ای بین عرش و فرش می‌زند؛ از حریم ملکوت همین‌طور آرام و با شیوهٔ هنری حرکت می‌کند، می‌آید در نیاز امروز، آنجا به این نیاز می‌رسد. ببینید، این ترکیب هنرمندانه است؛ شعر هم خوب است.

 شما از حنجره استفاده می‌کنید، که نعمت خدا است؛ از لحن و آهنگ استفاده می‌کنید، که نعمت خدا است؛ از شعر استفاده می‌کنید، که قریحه‌اش نعمت خداداد الهی است. این نعمت‌ها در اختیار شما است؛ این‌ها را در خدمت چه قرار می‌دهید؟ در خدمت معرفت‌افزایی. اگر در خدمت اختلاف‌افکنی واقع شد، اگر در خدمت تحریک عصبیت‌هایی قرار گرفت که امروز به خاطر این عصبیت‌ها، متعصبین لجوج در نقاطی از دنیا بیست تا، سی تا سر می‌برند، این استفاده، استفادهٔ بدی است؛ این را خیلی مراقب باشید.

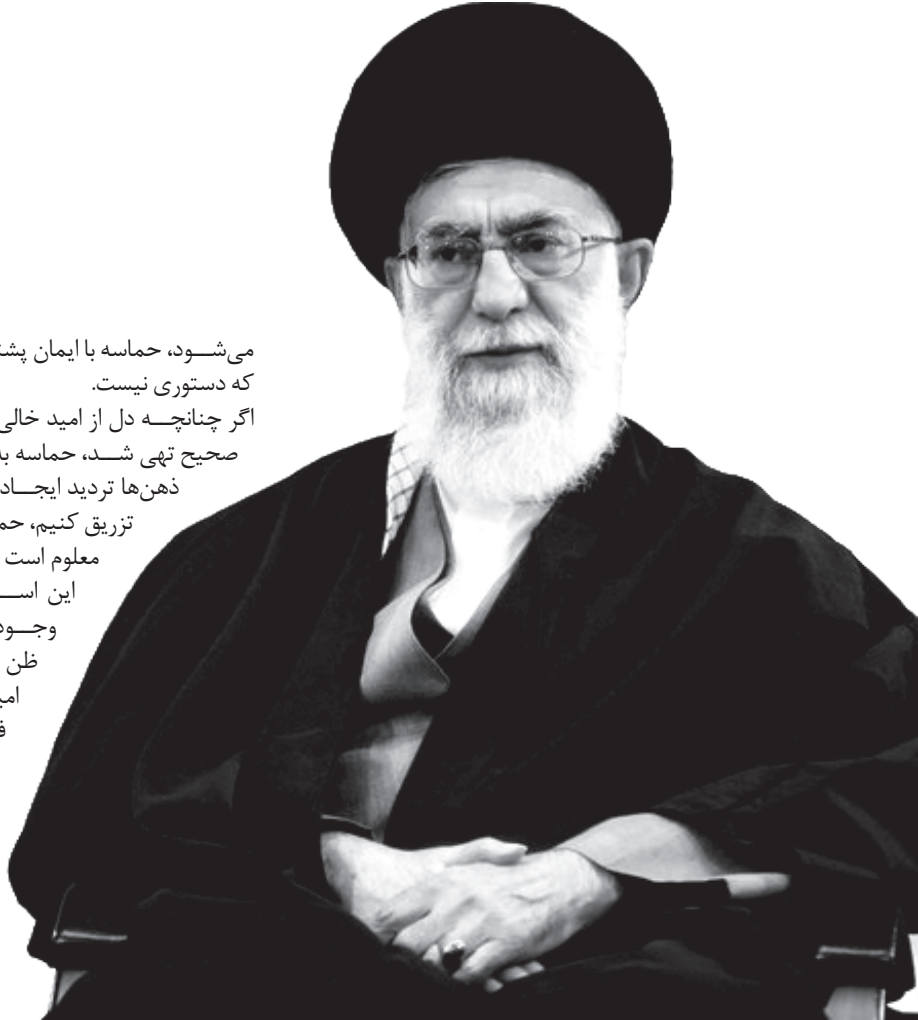
اختلاف‌افکنی یا تحریک عصبیت‌های اختلاف‌افکن، مصلحت نیست؛ نه امروز مصلحت است، نه زمان امام صادق (علیه السلام) مصلحت بود؛ آن‌ها هم جلوی‌ش را گرفتند. بعضی از افراد سطحی‌نگر به این مسئله توجه ندارند.

بَیِّنَات همین‌طور است اختلافات داخلی و درونی. امروز مردم ما باید امید داشته باشند؛ اگر امید بود، حماسه خواهد بود. اینکه ما عرض کردیم «حماسه»، حماسه که دستوری نیست، بخشنامه‌ای نیست؛ بخشنامه صادر می‌کنیم، مردم حماسه ایجاد کنند! مگر می‌شود چنین چیزی؟ مگر معقول است؟ حماسه از دل می‌جوشد، حماسه با عقل هدایت

بَیِّنَات شما اینجا یک شعری بخوانید، امروز هم که ویدئو و اینترنت و وسائل گوناگون انتقال پیام وجود دارد؛ عکس و تفصیلات آن برود در فلان نقطه، چهار تا آدم جاهل متعصب را تحریک کند، بیندازد به جان یک مشت زن و بچه بی‌گناه، خون این‌ها را بریزد. مراقب این چیزها باشید. اینکه بنده این همه اصرار می‌کنم، تأکید می‌کنم برای اینکه اختلافات مذهبی و طایفه‌ای را کم‌رنگ کنید، برای این است. کسی خیال نکند که اگر ما بخواهیم نعمت این عشقی که دل‌های مردم ما را بحمدالله پر کرده و مالا مال از محبت اهل‌بیت است، شکرگزاری کنیم و این عواطف را تحریک کنیم، راهش آن است؛ نه، اشتباه است.

می‌شود، حماسه با ایمان پشتیبانی می‌شود؛ این‌ها
که دستوری نیست.

اگر چنانچه دل از امید خالی شد، فکر از منطق
صحیح تهی شد، حماسه به وجود نمی‌آید. ما در
ذهن‌ها تردید ایجاد کنیم، در دل‌ها یأس
تزریق کنیم، حماسه به وجود می‌آید؟
معلوم است که نه. حماسه‌آفرینی
این است: فضای بدبینی به
وجود نیاید؛ فضای سوء
ظن به وجود نیاید؛ فضای
امید، فضای خوش‌بینی،
فضای نگاه به
چشم‌اندازها به وجود
آید؛ چشم‌اندازهایی
که قطعی است،
یقینی است،
حقیقی است،
تلقینی نیست.



آنچه که من به شما عرض می‌کنم، این است: مداحی، معرفت‌افزایی است. مداحی، پراکندن معرفت و حکمت و امید و عقیدهٔ راسخ است. مداحی، جوشاندن چشمه‌های عواطف در دل‌ها است؛ با استفاده از هنر شعر، هنر آواز، هنر اجرا.

البته یک اصل مسلمی وجود دارد عزیزان من! مردم از صدای شما خوششان می‌آید، از شعر شما لذت می‌برند، از اجرای شما - چه در مدحتان، چه در مصیبتان - دل‌هایشان تکان می‌خورد و اشک می‌ریزند؛ اما به خود شما هم نگاه می‌کنند. اگر شما از لحاظ اخلاق، از لحاظ تدین، از لحاظ عفت، نمود تحسین‌آوری داشتید، همهٔ آنچه را که

عرض کردیم، به صورت مضاعف در مردم اثر خواهد کرد. اما اگر خدای نکرده به عکس شد؛ مردم نشانهٔ تزلزل اخلاقی، نشانهٔ عقب‌ماندگی از لحاظ اخلاق و رفتار و خدای نکرده عفت و این چیزها مشاهده کنند، اثر این هنرها و زیبایی‌هایی که در کار شما هست، از بین خواهد رفت؛ این را مراقب باشید.

همه‌مان باید مراقب باشیم؛ ما عمامه‌ای‌ها بیشتر از دیگران، گویندگان مذهبی بیشتر از دیگران، نامداران عرصهٔ دین و تقوا بیشتر از دیگران. همه باید مراقب باشیم؛ شما هم همین‌طور. شما کسانی که در عرصهٔ دین و معرفت و امور الهی دارید کار می‌کنید، خیلی باید مراقب باشید؛ مراقب اخلاق، مراقب پاکی زبان،

در حرکت و جهاد مداوم که نیاز یک کشور و یک امت و یک تاریخ است.

مشکلاتی که امروز در غرب وجود دارد. این قانون‌های ابلهانه و خبثات‌آمیزی که این‌ها در زمینه مسائل جنسی دارند می‌گذرانند، این‌ها را به ته درّه دارد حرکت می‌دهد. این انحطاط، قابل جلوگیری هم نیست؛ این‌ها محکوم به سقوطند.

پاکی دامن، پاکی دل، پاکی دست. خدای متعال به شما کمک کند. یک ماحد آستان فاطمی علیها السلام وقتی که در یک چنین جایگاهی قرار گرفت، یک انسان برجسته است. یعنی همین جوری که بین ماها فهمیده شده، دانسته شده و اعتقاد پیدا کرده‌ایم، کسانی که در راه مدح ائمه علیهم السلام و اظهار ارادت به این بزرگوار و توجه دادن دل‌ها به این بزرگواران هستند، این‌ها پیش خدای متعال عزیز و محبوبند.

باز مثلاً در اوائل دهه ۶۰ - سی سال قبل از این - اگر چنانچه ما می‌گفتیم آینده چنین و چنان خواهد شد، ممکن بود بعضی‌ها بگویند بله، این‌ها دارند تلقین می‌کنند؛ اما امروز که دیگر این حرف‌ها نیست؛ امروز که داریم می‌بینیم حرکت عمیق و وسیع پیشرونده انقلاب و کشور را به سوی اهداف؛ هم اهداف مادی، هم اهداف معنوی؛ هم اهداف سیاسی، هم اهداف اجتماعی؛ هم اهداف داخلی، هم اهداف بین‌المللی؛ این‌ها جلوی چشم ما است؛ مگر کسی می‌تواند منکر شود؟

آن وقت این چشم‌اندازی را که امروز ما برای خودمان ترسیم می‌کنیم، کسی نباید در آن تردید آفرینی کند، یأس آفرینی کند، ناامیدی به وجود بیاورد؛ همچنین

﴿بَاقٍ﴾ در بین شما عزیزان بحمدالله هم پیشکسوت‌ها هستند، هم جوان‌ها هستند، استعدادهای خوبی هم وجود دارد.

در میان شما، گل‌های پرطراوتِ نورسی من مشاهده می‌کنم، که توانسته‌اید خوب وسط میدان بیایید و جای خالی گذشتگان را نه فقط پر کنید، بلکه برتر و بهتر از آن‌ها ما خیلی از گذشتگان را هم دیدیم - حرکت کنید.

﴿بَاقٍ﴾ جهاد مداوم، نیاز همه است. همه پیشرفت‌ها، همه تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدتِ دائم شده است. مجاهدتِ دائم هم همراهش به معنای رنج

کشیدن نیست. جهاد، شوق آفرین است. جهاد، شادی و نشاط آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی نباید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، این‌ها می‌شود کفران نعمت الهی؛ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ» آ یا به کسانی که نعمت‌خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند ننگریستی؟ (ابراهیم: ۲۸) این نباید بشود.



بَاقِی البتہ امروز یک نکتہ‌ای در جلسہٗ ما وجود داشت کہ این نکتہ، نکتہٗ مستحسنی است.

من در این سال‌های طولانی، خیلی اوقات بہ برادرانِ مداح کہ اینجا می‌خواندند، این اعتراض را می‌کردم کہ جلسہٗ جشن و مولود را تبدیل می‌کردند بہ مجلس عزاداری؛ مفصل روضہ خواندند و اشک گرفتند! ہر چیزی بہ جای خودش. بہ شما می‌گویند مداح. مداح یعنی چہ؟

شاخصہٗ اصلی شما مداحی است، نہ روضہ‌خوانی. روضہ بخوانید، بندہ طرفدار روضہ‌خوانی‌ام، خودم ہم روضہ‌خوانم.

این جور نیست کہ در مجلس مولودی‌خوانی ائمہ علیہ السلام

ہم حتماً باید یک روضہ‌ای خواندہ شود، یک دمی دادہ شود، یک اشکی گرفتہ شود؛ هیچ لزومی ندارد. بگذارید عواطفی کہ مردم نسبت بہ ائمہ علیہ السلام دارند، در خارج این جور وانمود نشود کہ منحصر است در قضیہٗ گریہ و سینه‌زنی و عزاداری؛ نہ، عزاداری بہ جای خود، مدیحہ و مولودی‌خوانی و شادی ہم بہ جای خود؛ این‌ها را نباید با ہم مخلوط کرد.

بَاقِی و اما نکتہٗ دوم کہ امروز شایستہ است درباره‌اش صحبت شود، مسئلہٗ زن است. یکی از سیئات تمدن مادی، حرکتی است کہ در مورد زن انجام دادند. ما در این زمینہ خیلی حرف داریم. گناہ بزرگی کہ

تمدن غرب در مورد جنس زن مرتکب شده است، نه به این زودی قابل پاک شدن است، نه به این زودی قابل جبران شدن است، حتی نه به آسانی قابل بیان کردن است.

حالا اسم‌های گوناگونی هم می‌گذارند - مثل همه کارهایشان - جنایت می‌کنند، اسمش را حقوق بشر می‌گذارند! ظلم می‌کنند، اسمش را طرفداری از ملت‌ها می‌گذارند! حمله نظامی می‌کنند، اسمش را دفاع می‌گذارند! یکی از طبایع تمدن غربی، فریب است؛ دورویی، نفاق، دروغ‌گویی، تناقض در رفتار و گفتار؛ در قضیه زن هم عینا همین جور است.

آن‌ها متأسفانه فرهنگ رایج خودشان را در کل دنیا گسترش داده‌اند. امروز در دنیا کاری کرده‌اند که یکی از مهم‌ترین وظائف زن - اگر نگوییم مهم‌ترین وظائف - این است که جلوه‌گری کند، زیبایی‌های خودش را در معرض التذاذ مردان قرار دهد؛ این شده خصوصیت حتمی و لازم زن! متأسفانه الآن در دنیا این جور شده.

در رسمی‌ترین مجالس - مجالس سیاسی، مجالس گوناگون - مردها باید با شلوار بلند بپایند، باید با لباس پوشیده بپایند، اما زن‌ها هرچه برهنه‌تر و

عریان‌تر بپایند، اشکالی ندارد! این عادی است؟ این طبیعی است؟ این یک حرکت بر طبق طبیعت است؟ آن‌ها این کار را کردند.

زن باید خودش را در معرض دید مرد قرار دهد، برای اینکه مایه التذاذ مرد شود! ظلمی از این بالاتر؟ اسم این را گذاشته‌اند آزادی، اسم نقطه مقابلش را گذاشته‌اند اسارت! در حالی که احتجاب زن، حجاب قرار دادن زن برای خود، تکریم زن است؛ احترام زن است؛ ایجاد حریم برای زن است. این حریم را شکستند و دارند روزبه‌روز هم بیشتر می‌شکنند؛ اسم‌های گوناگون هم رویش می‌گذارند. اولین یا شاید یکی از اولین آثار سوئی که این مسئله گذاشت، ویران کردن خانواده بود؛ بنیان خانواده سست شد. وقتی در یک جامعه‌ای خانواده متزلزل شد و از بین رفت، مفاسد در این جامعه نهاده می‌شود.

﴿بَقَّة﴾ مشکلاتی که امروز در غرب وجود دارد، این قانون‌های ابلهانه و خباثت‌آمیزی که این‌ها در زمینه مسائل جنسی دارند می‌گذرانند، این‌ها را به ته درّه دارد حرکت می‌دهد. این انحطاط، قابل جلوگیری هم نیست؛ این‌ها محکوم به سقوطند. تمدن غربی چه بخواهد، چه نخواهد، دیگر قادر نیست جلوی این سقوط را بگیرد. ترمز این وسیله بریده است، جاده هم به شدت لغزنده و سرازیر است. این‌ها گناه کردند آن وقتی که ترمز را بردند و آمدند خودشان را در لب این پرتگاه قرار دادند؛ لذا محکوم به شکستند.

﴿بَقَّة﴾ زوال تمدن‌ها، مثل سر برآوردن تمدن‌ها، یک امر تدریجی است – یک امر دفعی و فوری نیست – و این تدریج دارد اتفاق می‌افتد و گمان نمی‌کنم از چشم این نسل یا نسل بعد از این نسل دور بماند؛ خواهند دید که چه اتفاقی می‌افتد.

﴿بَقَّة﴾ خدای متعال در قرآن حدود تکریم زن را معین کرده است. زن پیش خدای متعال مثل مرد است. در طی مراتب معنوی و الهی، بین این دو جنس هیچ تفاوتی نیست. آن که این جاده را برایش درست کرده‌اند،

مرزهایی که ممکن است انسان در زمینه مسئله جنسیت فرض کند. باید دنبال این راه رفت؛ یکی از اساسی ترینش تشکیل خانواده است، یکی از اساسی ترینش اهتمام به حفظ محیط خانواده و انس خانوادگی است؛ که این به عهده کدبانوی خانه است.

اگر چنانچه کیفیت
اجرا جوری باشد که
مرزهای شرعی را مخدوش
کند، یا اگر جوری باشد که
نیازهای نقد را که امروز مردم به
دانستن آنها احتیاج دارند،
ندیده بگیرد، این فرصت
ضایع شده است.

انسان است، نه مرد یا زن. خدای متعال در تاریخ زنی مثل فاطمه زهرا (ع) می آفریند که امام عسکری یا امام هادی (ع) - طبق حدیثی که از آنها نقل شده - می فرمایند: «نحن حجج الله علی خلقه و فاطمة حجة الله علینا».

فاطمه زهرا (ع) حجت خدا است، امام ائمه است؛ شخصیت، دیگر از این بالاتر؟ آن حضرت دارای مقام عصمت است. یک چنین انسانی، زن است.

زنان بزرگ عالم: مریم، سارا، آسیه و دیگران و دیگران - بزرگانی که بودند - برجسته های عالم خلقتند. در این جاده تکامل و تعالی، آن که حرکت می کند، انسان است.

در حقوق اجتماعی، فرقی بین زن و مرد نیست. در حقوق شخصی و فردی، بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد.

در چند مسئله اختصاصی شخصی امتیازاتی به زن داده شده است، در چند مسئله امتیازاتی به مرد داده شده؛ آن هم بر اساس اقتضای طبیعت زن و مرد؛ این اسلام است؛ متین ترین، منطقی ترین، عملی ترین قوانین و حدود و

حماسه آفرینی
این است: فضای
بدبینی؛ فضای سوء ظن
به وجود نیاید؛ فضای امید،
فضای خوش بینی، فضای
نگاه به چشم اندازها به
وجود آید.

برق مادر می تواند فرزندان را به بهترین وجهی تربیت کند. تربیت فرزند به وسیله مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست؛ با رفتار است، با گفتار است، با عاطفه است، با نوازش است، با لالائی خواندن است؛ با زندگی کردن است.

مادران با زندگی کردن، فرزند تربیت می کنند. هرچه زن صالح تر، عاقل تر و هوشمندتر باشد، این تربیت بهتر خواهد شد. بنابراین برای بالا رفتن سطح ایمان، سطح سواد، سطح هوش بانوان، در کشور باید برنامه ریزی شود.



متعال ابزار پرورش فرزند را به او داده است. خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به مردها نداده، در اختیار بانوان قرار داده؛ صبرش را به آنها داده، عاطفه‌اش را به آنها داده، احساساتش را به آنها داده، اندام‌های جسمانی‌اش را به آنها داده؛ در واقع این هنر زن‌ها است. اگر چنانچه ما این‌ها را در جامعه به دست فراموشی نسپریم، آن وقت پیشرفت خواهیم کرد.

اختلاف افکنی یا
تحریک عصیبت‌های
اختلاف افکن، مصلحت نیست؛
نه امروز مصلحت است، نه زمان
امام صادق (علیه السلام) مصلحت
بود؛ آنها هم جلوی‌ش را
گرفتند.

یکی از مهم‌ترین وظائف زن، خانه‌داری است. همه میدانند؛ بنده عقیده ندارم به این که زن‌ها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند؛ نه، اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این می‌شود گناه. خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل آینده‌ساز. فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است. ما با خطاهایی که داشتیم، با عدم دقت‌هایی که از ماها سر زده، یک برهه‌ای در کشور ما متأسفانه این مسئله مورد غفلت قرار گرفت و ما امروز خطراتش را داریم می‌بینیم؛ که من بارها این را به مردم عرض کرده‌ام: پیر شدن کشور، کم شدن نسل جوان در چندین سال بعد، از همان چیزهایی است که اثرش بعداً ظاهر خواهد شد؛ وقتی هم اثرش ظاهر شد، آن روز دیگر قابل علاج نیست؛ اما امروز چرا، امروز قابل علاج است.

فرزندآوری یکی از مهم‌ترین مجاهدت‌های زنان و وظائف زنان است؛ چون فرزندآوری در حقیقت هنر زن است؛ اوست که زحماتش را تحمل می‌کند، اوست که رنج‌هایش را می‌برد، اوست که خدای



بَاقِ روز زن و روز مادر که خوشبختانه در نظام جمهوری اسلامی انطباق پیدا کرده است با روز ولادت برگزیده خلقت، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام باید همه را توجه دهد به این نکات. اگر ما توانستیم در زمینه زن و خانواده و مادر و همسر، درست فکر کنیم، درست تصمیم بگیریم و درست عمل کنیم، بدانید که آینده این کشور تضمین شده است. خداوند ان شاء الله به همه شما خیر بدهد، به همه شما برکت بدهد؛ به حنجره شما، به سینه شما برکت بدهد.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بَاقِ احترام زن و تکریم زن، یک مسئله است - که این حتما باید مورد توجه و عنایت خاص باشد - رفتارهای زنان در محیط خانوادگی، در محیط کسب و کار، در محیط سیاست، در محیط اجتماعی، یک مسئله است؛ رفتار با زنان هم یک مسئله است. رفتار با زنان، ناظر به مردان است؛ چه مردان خانواده - مثل پدران، برادران و همسران - چه مردانی که در محیط‌های کار برخورد می‌کنند. رفتار با زن باید احترام‌آمیز، محبت‌آمیز، همراه با نجابت و همراه با عفت باشد. بنابراین، هم تکریم زن، هم وظیفه زن، هم وظیفه نسبت به زن، جداگانه باید مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار بگیرد.

مرور سریع
بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از مداحان
۱۳۹۲/۰۲/۱۱

الزامات خلق حماسه

۱. پرهیز از اختلافات داخلی و درونی
۲. پرهیز از ایجاد فضای بدبینی، یأس و سوء ظن
۳. ترویج امید، خوشبینی و نگاه به چشم‌اندازهای یقینی و حقیقی

توصیه‌هایی به مداحان

۱. داشتن نمود تحسین‌آور از لحاظ اخلاق، تدین و عفت
۲. پرهیز از تزلزل در زمینه اخلاق، رفتار و عفت
۳. مراقبت نسبت به پاکی زبان، دامن، دل و دست

نکاتی پیرامون جایگاه، نقش و مسائل زنان

۱. تفاوت نداشتن با مردان در مسیر تکامل و تعالی
۲. تفاوت نداشتن با مردان در حقوق اجتماعی
۳. برخورداری از برخی از امتیازات در چند مسئله اختصاصی شخصی براساس اقتضای طبیعت
۴. ضرورت اهتمام زنان به حفظ محیط خانواده و انس خانوادگی
۵. بر عهده داشتن وظیفه تربیت فرزندان
۶. ضرورت برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح ایمان، سواد و هوش بانوان
۷. نگاه به خانه‌داری به عنوان شغلی مهم، حساس و آینده‌ساز
۸. نگاه به فرزندآوری به عنوان مجاهدت و هنر زنانه
۹. ضرورت توجه و برنامه‌ریزی برای تکریم زن، وظیفه زن و وظیفه نسبت به زن
۱۰. تضمین آینده کشور در صورت فکر، تصمیم‌گیری و عمل درست در زمینه زن، خانواده، مادر و همسر



هیأت تراز انقلاب اسلامی،
همان قله‌ای است که باید به سوبش حرکت کرد، همان هیأت الگویی که
گوشه‌گوشه و لحظه‌لحظه‌اش باید مورد رضایت امام عصر (عج) باشد.
هیأتی که شایسته برپایی در حضور حضر تش باشد.
هیأتی آماده حضور و ظهور...
ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار
می‌نماید، اما لازم است و ضروری...

در «آفتاب»، در جستجوی ابعاد و شاخصه‌های «هیأت تراز انقلاب اسلامی»
پای بیانات امام راحل (ره)
و رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) می‌نشینیم.



که به دنبال ارتباط بیشتر
مجتان سیدالشهدا است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آینه تولیدات
و فعالیت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماس
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...

۱۵۴۲ ۰۰۰ ۳
۰۲۵ - ۲۲۹۲ ۸۹ ۵۱
www.1542.ir
mag@1542.ir



جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است